گونه شناسی مرد بنداری در اقوام استان گیلان

دکتر محمدسعید ذکایی

دکتر بهشت بزدخواستی

علی بقیوی چوپری

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۲۵
تاریخ پذیرش: ۹۰/۸/۲۰

چکیده

مردانی که محصول کنش‌های معنی‌دار در زندگی روزمره است که به لحاظ اجتماعی و فرهنگی پرساوه می‌شود، مفهوم جنسیت و به نفع آن مردانی بیشتر تحت تأثیر کنش‌های فرهنگی و اجتماعی است. این مقاله با استفاده از روش کیفی مصاحبه‌های فردی و گروهی و نمونه کیفی هدفمند به سنجش شناسی

* استادیار جامعه شناسی دانشگاه علامه طباطبایی.
** دانشیار جامعه شناسی دانشگاه اصفهان.
*** دانشجوی دکتری جامعه شناسی دانشگاه اصفهان.
مردانگی در اقوام استان گیلان برداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مردانگی متنوعی به لحاظ درون گروهی (در درون اقوام) و بین گروهی (بين اقوام) در مناطق گوگانکون استان گیلان وجود دارد. در کنار مردانگی همزبانیک (ستنی)، مردانگی نیمه سننی، مردانگی مدرن، مردانگی پاسپور و مردانگی حاشیه‌ای هم قابل دیدن است. از نظر درون قومی مردان در عین تشانه، با توجه به مکان زندگی، سطوح تحصیلی و سن تفاوت‌ها. از نظر بین قومی نیز مردان گیلان در مقایسه با مردان اقوام نالش، تار و کرد متفاوت به نظر می‌رسند. آن‌ها مردانگی را به براساس قدرت و نوان بدنی، بدلکه در قالب عقلانیت و رفتار ملایم، نماینده مهربانی و مساعدت در خانوهای و موافقت در امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نشان می‌دهند.

ویژه‌های کلیدی: قومیت، مقالات مردان، مردان قدیم، مردان جدید.

مقدمه و ظرف مساله

بنیان گذاران جامعه علمیه مدرن، از جمله ماکس وبر، قومیت و توارق یا مقاومی گرفت. مقاله مدرن می‌دانستند که اهمیت خود را در جوامع مدرن از دست داده‌اند (ثقیلی، 1384: 142). بنابراین، پس از این صحیح نظر علم اجتماعی مدرن معتقدند که تجدید و نوسازی و فراوانی‌های سن‌ نیا را از میان برداشته و فردیا مناسب با دستاوردهای فردی‌اش در تظاهر با معیارهای جهانی، با احترام و امکانات جدیدی مواجه ساخته، چرا که صنعتی شدن، توسعه شهرنشینی، اموزش و ارتباطات جوامع چند قومی را در هم ادغام کرده و قومیت‌ها و تفاوت‌ها و تبادلی قومی را که داده است (اثابی، 1384: 30). جامعه علمیه مانند رفیقیه معتقدند که جوامع در جریان دژورانی‌های اجتماعی به دو دسته قومی و شهری تقسیم می‌شوند. فرض اساسی آنها بر این است که تمام جوامع، دژورانی‌هایی که در غرب انگلیس و فرانسه، در ایران، طالب و گوردوزی.
گونه‌شناسی مرد/دنیاری در اقوام ...

۹۵

۱۳۸۳: ۲۴-۲۳. دیدگاه نوسازی مبتنی بر ملاحظات تک خطی است. به زعم منتقدین، هر فرهنگ پدیده‌ای متعدد به فرد است و بعضی از ویژگی‌های درای بسیار فرهنگ‌ها تعیین داد و همچنین حرکت جامعه برخی، خط سیر معنی‌دار و نمی‌توان آن را قبلاً بیش بینی کرد (تولسی،۱۳۸۵: ۱۱۵ و ازکیا،۱۳۷۰: ۴۴). 

در دو دهه اخیر، با گسترش جنبش‌ها و هویت پایه‌های قومی، مطالعات تجربی و نظري درباره قومیت در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سياسی افزایش یافته است. مروری بر آثار منتشر شده در این باره، نشان می‌دهد که مطالعات نظری، بعد جنبشی قومیت را نادیده گرفته و مطالعات تجربی نیز به جنبش بیشتر به عنوان متغیر زیمن‌رای توجه کرده است. به همین سان لازم است تا قوم شناسان جنبش و پژوهشگران مطالعات مردان، قومیت را به عنوان یک متغیر اصلی در نظر گیرند.

صرف نظر از قومیت، مطالعات مردان یکی از گرایش‌های جامعه‌شناسی جنبشی است که نظر محققین علوم اجتماعی را در سال‌های اخیر به خود معرفی نموده است. همچنین صیانت از مردانگی و ارزش‌های محور این موضوع مورد علاقه او تا کروهای "صد فیلیسم" و هواوران "جنبش مردان" شده است. چنان‌که میدان‌شناسی، مطالعات انتقادی فeminیست‌ها را به‌همرپنل در مطالعات از دیدگاه "مردانگی مدنده (ذکامی و میرزایی،۱۳۸۴:۷۱). همچنین، توجه به مطالعات و جنبش‌های ایرانی، نشان می‌دهد که در ایران در حدود ۱۸ روزنامه، مجله، فصلنامه و گاهنامه در خصوص زنان منتشر می‌شود. اگرچه وجود تحقیقات و نشریات با شده لازم و ضروری است؛ اما در - مقایسه با - جوره مردان، نشریات و یک‌ها وجود ندارد و حتی تعداد مقالات در مورد مردان از انجمن‌ها یک دقیقه فراتر نمی‌رود (جمشیدی،۱۳۸۹:۱۲).

همچنین با توجه به دغدغه فeminیست‌ها درباره فرو دستی و انقباد زنان در جامعه، شاید شکفته آور نباشد که نخستین پژوهش‌ها درباره جنبش، متحرکاً به زنان و

Men Studies

۱.
مفهوم زنانگی اختصاص یافته و مطالعه مردان و مردانگی، موضوعی نسبتاً بدنی و فارغ از بحث و مسئله قلمداد شده، چنانکه تلاش چندانی برای بررسی و مطالعه مردانگی، یعنی تحلیل مرد بودن یا شکل گیری هریتی های مردانه، صورت نگرفته است.
تلاش جامعه شناسان، هم بیشتر برای اثبات اینکه مردان بدانه که چگونه روابط فرادستی مردان و فردستی زنان، جامعه پدرسالری را بوجود آورده است.

از طرفی پژوهشگران حوزه مطالعات زنان در صورتی که نسبت به دیدگاه‌ها دریافته‌ها، مطالعات مردان در خصوص مسائل اجتماعی، آگاهی نداشته باشند، به نظر می‌رسد زنان مدلز و شکنندگی از برای طرح مسائل و راهبردهای شان ایجاد می‌نمایند. این شناخت تا آن اندازه اهمیت دارد که یک ادعا داشته که برخی مسائل زنان از مسائل مردان بر می‌خزند و زنانگی امری است مردانه و بالعکس (گیدنز، 1386: 173).

استان گیلان یکی از استان‌های شمالی ایران است که دارای تنوع فرهنگی و قومی قابل توجهی است. بیشتر ساکنان شرق استان، گیلکی‌ها هستند و در مناطق کوهستانی اقامت می‌کنند. نتایج این مطالعه و سنت کوهستانی روبه‌روی از جمعیت گیلک‌ها کاسته و بر تعداد ناشی‌های داماد و کشاورز، افزوده می‌شود و هرچه از مناطق شرقی به سمت غرب نزدیک‌تر، بیشتر از ساکنینه این استان رنگ روی می‌شود. در مناطق کوهستانی جنوب‌های از قوم ایرانی گرد زندگی می‌کنند که در منطقه رستم آباد و عمارلو اسکان دارند. منابعی با وجود تنوع قومی و فرهنگی در گیلان، تحفقات بین قومی مناسبی، بیشتر در زمینه قومیت و جنسیت، با تأکید بر فرهنگ مردانگی، انجام نشده است. و با مطالعات قومی بعد جنسیت، را نادیده گرفته‌اند و با مطالعات جنسیتی، بعد قومیت را مغفل گذاشته‌اند.

۱ استان گیلان در شمال ایران و در جنوب دریای خزر قرار دارد که دارای ۱۲ شهرستان است. وارد "گیلک مرد" که به گیلک‌ها گفته می‌شد، از قوم گیلک برگرفته شده است.
مقاله حاضر، با بهره‌گیری از نظریه‌ها و مقام‌های مطرح شده در زمینه مردانگی و فرهنگ مردانگی و با تاکید بر گونه‌های مردانگی در موانع اقامت استان گیلان، در پی پاسخگویی به این سوال است که با توجه به تنوع قومی در استان گیلان، گونه‌های مردانگی (درون قومی و بین قومی) در این استان کدامند؟

مبانی نظری و چارچوب مفهومی

دیدگاه نظری در خصوص مردانگی را می‌توان اساس دو مفهوم جنس و جنسیت مورد بررسی قرار داد. این دیدگاه‌ها را می‌توان به دو دسته دانست: ۱) سازگار با تقسیم کرده. یعنی گروه‌اند/کره‌زده‌ی یکی است که به دلیل انگیزه‌های دیفراگمی مشخص، جنس مذکر است. این دیدگاه مفهوم "مردانگی" را با "مرد" و "بی‌مردی"، یکی‌تایی و اصلی را به "جنس"، با مشخص‌های دیگری می‌دهد. یعنی طبقه‌بندی‌های چهره‌ای چگونه با عنوان "طبیعت انسان" وجود دارد که پایدار است و رفتار و عمل انسان تحت تأثیر آن قرار دارد. این رهایی، وجود یا بروز درون اشخاص را به منظور تنبیه رفتارهای جنسی می‌کند. (Burr, 1998:32)

درکار دیدگاه دیگری به نام "مردانگی" در این سوی جنس اندازه‌گیری نمی‌کند. به‌دلیل انگیزه‌های جنسی و اجتماعی و تصورات کلی‌ساختی، حکم مذکر بیشتر "مردانی بودن" و موئن به "زنانه بودن" در یک فرهنگ را تعیین می‌کند. (Sogihara, 1999). بنابراین، مردان یا مردانگی مبنی بر یک اختیار زن‌شکی نیستند، بلکه مردانگی چهچیزی است که می‌پذیرد.

1. Essentialist
2. Nstructionist
3. Male
4. Sex
5. Being Male
6. Being Female
با فرهنگ پذیری و فراکری قواعد اجتماعی رفتار، توسط مردان بازتولید می‌شود.


رویکرد گفتمانی، مردانی که باعث‌کننده می‌باشد که در نظر می‌گیرد. به‌طور کلی، موفقیت‌ها و ناکامی‌های گوناگون متغیری باعینی می‌باشد. این امر از طریق پیوند دادن داده‌ها در قالب زنجیره‌های علمی انجام می‌گردد. بر ساختار گفتمانی متغیر "مرد"، به دقت مشخصی که "مرد" با چه چیزهایی هم عرض و با چه چیزهایی متفاوت است. برای مثال، یک گفتمان شایع "مرد" را با "نذر"، "عفل"، و "فوتیال" معادل و در تضاد با "زن" - "مفعول"، "صوم نحل" و "پخت و پر"- قرار می‌دهد (بیرگنسن و فیلیپس، 1389: 22). فوکو نیز معتقد است که جنسیت در طی فراآیند تاریخی بررسی‌شده و در طول زمان تغییر می‌کند (شرت، 1387: 1387).

مطالعات مردم شناختی گارفینگل نشان داد که جنسیت و نقش جنسی، فرهنگ محورند: به همین سان، مارگریت می‌دید معتقد است که در فرهنگ‌های متعدد، تفاوت‌های جنسی‌بندی سبب متنوع است و کارهای زنانه و مردانه از امکان‌هم‌کنش نیستند. در میان جوامع گوناگون بین نقش‌های اجتماعی و بیولوژیکی جنسی ضرورتاً ارتباطی وجود ندارد، پیروان مکتب "انو متدولوژ" جنسیت را مُنوط به نحوه اقای تقویض جنسیت به فرد می‌دانند (شیخاودی، 1385: 108). گافمن مدعاً است جنسیت بدیه‌ای طبیعی نیست، بدلکه در جریان تعامل ساخته می‌شود. در این تعریف‌ها، مردان وزنان خود تابع کلیشه‌هایی هستند که چگونگی رفتار آنها را از قبل مشخص ساخته است اما درست مثل بازیگران یک نمایش آنها نیز از اندکی آزادی بروخوردارند، بطوری که در بخی‌وارد می‌توانند تا حدی متفاوت عمل کنند (هلمنز، 1377: 1377-61). کانال نیز از رویکرد "بررسی‌گرای" به جنسیت و مردانی برداخته است. رهایت ایک بیوزه در جامعه شناسی نفوذ بی‌حیاتی داشته است؛ زیرا روش مفاهیم

1 Discursive
پدرسالاری و مردانگی را در نظریه‌ای فراگیر و جامع در مورد روابط جنسیتی، با هم ادغام نموده است. به نظر کالین، جلوه‌های بسیار گوناگونی از مردانگی و زنانگی وجود دارد. در رأس این سری مراحل "مردانگی هژمونیک" قرار دارد، که بر همه انواع مردانگی و زنانگی در جامعه مسلط است که به معنای سلطة اجتماعی یک گروه معین است. در کنار مردانگی هژمونیک، "مردانگی همدست" یا "مردانگی فروست" و "همجنس‌گرایی" قرار دارد (گیدنر، 1976: 13-15). کالین با بررسی مردان گوناگون حاضر در جامعه و ساختمان تبیین‌های ایجاد آن در مردانگی آنها، نشان داد که در هر دوره و زمینه خاص روابط جنسیتی خاص مسلط است که مردانگی و زنانگی در آن هژمونیک هستند. در این باره، سایر انواع مردانگی یا زنانگی کیمی نیز دیدگاهی Laurie، "منحرف" و جلوه خواهند کرد. (1994:4) مشابه و سازگاری، درباره مردانگی دارد. کیمی معقد است که به کار برد مردانگی‌ها، نشان از تنواع مردانگی دارد که در هر جامعه و در هر دوره، گروه‌های گوناگونی، از مردانگی و تفاوت‌های فردی، تعیین خود را دارند. هر چند نیروهای اجتماعی دست به کار ساختن تفاوت‌های نظام مدتی بین مردان و زنان هستند؛ اما تفاوت‌های میان مردان و زنان، کمتر از تفاوت‌های درون مردان و زنان است. برخی از فرهنگ‌ها مردان را تشیق می‌کند تا بپذیرد و مردانگی خوشی را به ویژه با اغوا جنسی، ایمان کند، اما فرهنگ‌های دیگر تعیین سازگاری از مردانگی تجویز می‌کنند که بر اساس مشترکهای مدنی، پاسخ‌گویی عاطفی، و برآورد سازی نیازهای اجتماعی است. (2000، گیدنر نیز با نویسندگان غربی و پژوهش‌های اجتماعی است. ) یک دیدگاهی به جامعه جنسیتی منجر و مورد "ساخت پایان" به حوزه جنسیتی منگر. وی معتقد است که آمرزه، زن بودن

1. Hegemonic Masculinity
2. Complicit Masculinity
3. Marginal Masculinity
4. Structuration
و مرد بودن، از نظر وظایف و هویت یابی معنا ی روش و مشخصی ندارد و افراد در
چارچوب سروشی که به واسطه ی نقش آنها و از پیش تعین شده است، زندگی
نمی‌کنند. هویت در یک دیگر توسط خودمان کشف شوده، نه با واسطه نقش‌های
اجتماعی که بازی می‌کنند. گیاتین چنین شناختی از خود و هویت را "پاز اندیشانه"
می‌داند (گیاتین، ۱۳۸۲: ۱۳۸۵). بنابراین، در فرآیند مدرنیسم، قلمرو عاملیت در مقایسه با
ساختار، افزایش وسعی می‌یابد.

علاوه بر دیدگاه‌های سازه‌گرایانه مبوز، پاساژینیسم نیز به عنوان یکی از
"فیلم‌سازی پس‌ساخت" روایت سازه‌گرایانه از مفاهم مردانگی و زنانگی دارد و برای
حفاظ دماوند فیلم‌سازی خود به تعیین دیگری غیر زنانه می‌پردازد و همچنین برای فراتر
رفتن از فیلم‌سازی منتی "دیگری" را به گونه‌ای تعریف می‌کند که انتفاح با او ممکن
باشد. این کار از طریق طرح دوگانگی جدید زنانگی/ مردانگی در مقابل دوگانگی سنتی
زنان/ مردان صورت می‌گیرد. زنانگی و مردانگی که در فرانسه‌ها جامعه‌پذیر بیش‌تر به زنان و مردان منقل می‌شوند.
این دو پرساهم فرهنگی در عین حال که همگذری را تکمیل می‌کند با یکدیگر تفاوت
دارند. همچنین آنها می‌توانند به جای رابطه دو قطبی ۳ که یکی دیگری را شک می‌کند
dارای یک رابطه تکمیلی باشند (قاعده راز و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۰۳).

نتایج تحقیقات در سطح میدانی، راجع به قومیت و مردانگی نیز نشان می‌دهد که
مردانگی یک سازه اجتماعی است. رئیس فرد با یکه گیری از روبروی سازه‌گرایانه، به
دو تصویر آرامی از مردان اشاره می‌کند. تصویر نخست "مرد کیفر رسان یا کسی خواهد
است که با دک عضوی از مردانگی سنتی، مطالبت دارد. مرد کیفر رسان با تاثین به
کسانی که نماینده خیانتخوان‌های مردانگی هستند یعنی کسانی که نرم و لطف‌آورد

---

1. Reflexive
2. Binarism
3. Retributive Man
"خانوم مسلک" شده‌اند، از مردی و شرف خود دفاع می‌کنند. این سنگ از مردان‌گی شامل مردانی می‌شود که از جامعه مدرن که مردانی ستی آن‌ها را به چالش گرفته، انتقام جویی می‌کنند. در مقابل، تصویر "مرد نوین" قرار دارد. راجر فورد، مرد نوین را بیانگر آن نوع مردانگی می‌داند که تا کانون سرکوب شده است. مرد نوین نسبت به زنان، کودکان و نیازهای عاطفی خود، حساسیت و برخی خود، از نظر مادی ناراحت می‌شود. و افراد ناراحت را به راه و رسمی دلبری و محبوب تبدیل می‌کند، و پرورش دهندگان به اما ملایم و مهربان .(Rutherford, 1988)

جودیت لوور در جهان وجودی جنسی، به سنگ‌های گوناگونی اشاره می‌کند؛ زن عادی (دگر جنس خواه)، مرد عادی، زن همجنس، مرد همجنس خواه، زن دو جنسی، زن مرد نا (زنی که معمولاً مانند مردان لباس می‌پوشد)، مرد زن نا (مردی که معمولاً همجون زنان لباس می‌پوشد)، زن تغییر جنس داده (مردی که تبدیل به زن شده است) و مرد تغییر جنس داده (زنی که تبدیل به مرد شده است). از این رو، شاهد فرآیند جنسیتی گوناگونی در جامعه هستیم (کیلندر، 1989: 136).

مارتین منه آن کیل، دریچه‌نشانه قوم گراوان با عنوان "تحصیل و شکل‌گیری مردانگی و گراشنها جنسی" چهار نوع مردانگی نوظهور را در محیط مدرسی شناسایی می‌کند. خوانه‌ای لات: آن‌ها گروهی از پسران سفید پوست طبقه کارگری گسترش که زیر بار اکتفار نمی‌رود و از فرانکی یادگیری گزینندگان و از دانش آوران موفق بیزار. گروه دوم، درس خوانه‌ای موفق: آن‌ها خود را متخصص حرفه‌ای آری‌دان می‌دانند. گروه سوم، ناجیر نویا: آن‌ها شامل پرسنی هستند که به سوی دروس دوره‌های حرفه‌ای جدید مثل علوم رایانه‌ای و مطالعات بازرگانی کشیده‌اند.

1. Feminized
2. New Men
3. Macho Lads
4. Academic Achievers
5. New Enterprisers
می‌شوند. در عرصه چهارم مردان انگلیسی واقعی: ۱ آن‌ها بیش از سایر گروه‌های طبقه متوسط دارند زیریست و در اندرس هستند؛ چون تغییر دو پله‌ای و پلا تکلیفی نسبت به آموزش آکادمیک دارند؛ اما خود را داوران فرهنگی می‌دانند که بالاتر از هر چیزی است که معیمان شان می‌توانند به آن‌ها بدهند. (1994: ۳۷۸) بهبود گیلمور که درباره جنسیت بررسی‌های میان فرهنگی انجام داده است، معقد است که اقوام کاملاً جدا و متفاوت و بدون ارتباط با هم، در این باره که مردانگی بهبود باشد و چگونه باید آن را به دست آورد، برداشت‌های انسانی همسانی دارند. مردها در یک کجا که باشد باشد یا گذرندن آزمون‌های ویژه، انگام دادن وظایف خاص و پشت سر گذاشتن انواع گوناگون مراسم ورود، مردانگی شان را به اثبات برسانند. یک در آن چه که مردانگی در میان فرهنگ‌های گوناگون تعريف می‌کند، قواعد جایی را پیدا کرده که باور تن از آزمون‌های سخت نیرومندی، خطرجویی و اثبات دلیری و مقاومت در برابر درد (بیتس، ۱۳۷۸: ۴۱۱). نتایج پژوهش در ایران، در خصوص تأثیر قومیت و جنسیت بر یکدیگر در شکل بخشیدن به طرح واره‌های نقش جنسیتی، نشان می‌دهد که طرح واره‌های نقش جنسیتی زنان و مردان در دو گروه از دانشجویان دختر فارس و کرد تفاوتی با یکدیگر ندارند اما به لحاظ نقش‌های جنسیتی بین پسران فارس و کرد تفاوت معنی دار و وجود دارد. علاوه بر این، در گروه قومی صفات مردان را مشت و صفات زنان را منفی تر ارزیابی کردند (خسروی، ۱۳۸۶: ۱). یافته‌های پژوهش مشابه در ایران نشان می‌دهد که مردان و زنان در یک گروه قومی دارای برخی صفات کلی‌شای مشترک بوده و در برخی صفات تفاوت‌هایی دارند. برای مثال، زنان در تمام گروه‌های قومی، در صفات مهربانی و دوستسای، کلی‌شای نگریسته می‌شوند و مردان نیز با صفت برخاشگری بازتاپی شده‌اند (خسروی، ۱۳۸۳: ۱۲۴). 

۱ Real men of the British
گونه‌شناسی مردان‌داری در اقوام... 107

صرف نظر از قومیت، نتایج پژوهش ذکایی و میرزاپی در خصوص پسران جوان و ارزش‌های مردانگی ضمن اذعان به وجود تنواع از مردانگی در میان پسرهای داشت. امروز شهر تهران برخی اختلافات را نیز در زمینه گرایش به ارزش‌ها و کلیشه‌های جنسیتی در میان آنها ننان می‌دهد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که پسرهایی که نمرات بالاتری در مقیاس مردانگی کسب نموده‌اند، نسبت به سایری‌گرایش بیشتری به ارزش‌های مردانگی و کلیشه‌های جنسیتی مردانه دارند. همجنس ارتباط معنی‌داری بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و گرایش پسران به ارزش‌های مردانگی دیده نشد که علت آن ناتوانی در تعیین درست طبقه پسران فرض شده است (ذکایی و میرزاپی، 1384: 70).

از رویکردهای گوناگون نظری و مطالعات انجام شده می‌توان به این نتیجه رسید که "مردانگی" یک سازه اجتماعی است که در جریان تبادل اجتماعی ساخته می‌شود. همجنس، مردانگی امری ثابت نیست بلکه می‌تواند الگوی متغییری باشد.

روش پژوهش

این مقاله برای مطالعه سنگین‌گیری مردانگی به شیوه پیشینی عمل نمی‌کنند بلکه از طریق روشن کردن، نشان دادن می‌کنند به شیوه پسینی به سنگین‌گیری مردانگی در اقوام استان گیلان پردازد. بنابراین، در این پژوهش، با تکیه بر روش‌های کیفی، از مصاحبه‌های نیمه‌سازمان‌پذیر فردی و گروهی (گروه متمرکز) مشاهده و تاریخچه زندگی استفاده شده است. هدف از کاربرد چنین روش‌هایی شناخت معنا، تفسیر و ارزیابی مردان نسبت به تغییرات مردانگی، فرهنگ‌ها و مذاهب‌ها آن در سطح اقوام استان گیلان (گربه، هزاره، گرگ، مرغ و کرد) می‌باشد. جمع آوری اطلاعات نیز در ساختاری انعطاف‌پذیر بر اساس تجربه زیسته مصاحبه شوندگان انجام گرفته است.

1. Life history
در این پژوهش، از نمونه گیری هدف‌مند استفاده شده است؛ و برای این منظور بر اساس ملاحظات نظری پژوهش و تنوعات قومی و جغرافیایی در میدان مطالعه نمونه‌ها انتخاب شده‌اند. روشن است که این شیوه نمونه‌گیری همچون اغلب شیوه‌های دیگر پژوهش کیفی نه بدانال تعیین بلکه بدانال استنتاج و فهم پیدا، ارتباطات‌های بی‌دیده‌ها و روابط و روش‌کردن جنبیات و نوع روابط بین مفاهیم و مقولات محوری پژوهش است که از پرسی داده‌های اولیه آشکار شده است (نگاه کنید به: کلی، 1381: 66).

بیاید دریافت نظری بیشتر و ایجاد بیشترین پویایی در بحث‌های گروهی، در انتخاب افراد نمونه برای بحث گروهی، ابتدا از گروه‌های ناهمگن و سپس از گروه‌های همگن استفاده شد (Morgan, 1988: 48). در انتخاب افراد ویژگی‌های گوناگونی از قبیل سن، تحصیلات، شغل، محل سکونت، مذهب، و قومیت در نظر گرفته شد. همانطور که اشاره شد در انتخاب افراد از نمونه گیری هدف‌مند استفاده شد و نمونه‌گیری با دستیابی به اشاع نظری می‌باشد. برای این منظور با دواده‌های نفر بصورت فردی و شصت و نه نفر صورت گروهی (در قالب یازده جلسه کمکگو) مصاحبه شد. در مصاحبه‌های گروهی، پنجم مصاحبه در مناطق رستاون و نش مصاحبه در مناطق شهری انجام شد.

از بین مصاحبه‌ها چهار مصاحبه به صورت همگن و هفت مصاحبه به صورت ناهمگن انجام پذیرفت. اطلاعات بدست آمده از گفت‌وگو با مردان در مصاحبه‌های فردی به مدت پانصد و پنجاه دقیقه و مصاحبه گروهی به مدت هزارالبر پنجاه دقیقه متانش.
در این پژوهش نواحی جلگه‌ای شهرهای رشت (مرکز استان)، لاهیجان در شرق گیلان و سواحل زیباکاری به عنوان مناطق گیلبک ناشین، شهرستان‌های تالش و ماسال (شهر تالش و روستای کوهستانی شالماهای ماسال) در غرب، به عنوان مناطق تالش ناشین، شهرستان آستارا در منتهی‌الهی غرب گیلان (شهر آستارا و روستای کوهستانی و نین) به عنوان مناطق ترک ناشین و شهرستان رودبار (روستای گنجه در مجاورت شرر رودبار و روستای کوهستانی چکسار) در جنوب گیلان به عنوان مناطق کرد ناشین انتخاب شدند.

<table>
<thead>
<tr>
<th>گیلبک</th>
<th>ترک</th>
<th>کرد</th>
<th>جمع</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>500 دیقه</td>
<td>1</td>
<td>1</td>
<td>6</td>
</tr>
<tr>
<td>270 دیقه</td>
<td>2</td>
<td>6</td>
<td>8</td>
</tr>
<tr>
<td>185 دیقه</td>
<td>3</td>
<td>2</td>
<td>5</td>
</tr>
<tr>
<td>180 دیقه</td>
<td>5</td>
<td>1</td>
<td>11</td>
</tr>
<tr>
<td>390 دیقه</td>
<td>4</td>
<td>1</td>
<td>6</td>
</tr>
</tbody>
</table>

مصاحبه‌های ضبط شده پس از مکتوب‌شدن، چندین مرتبه مرور شده و به شیوه تحلیل مضمون، دلائل‌های صریح و ضمیمی در نظرات مصاحبه‌نشن‌گان، بر مبنای هر محدوده این پژوهش خارج شدند.

1. در گیلان سایر اقوام نات و و هم زندگی می‌کنند. اما به دلیل پراکندگی و عدم دسترسی آسان به آنها، از محدوده این پژوهش خارج شدند.
یک از محورهای مورد نظر، استخراج گردید. در نهایت یافته‌های بخش آمده از مصاحبه‌ها به شیوه تحلیل مضامین منظم ارائه شده است. در این شیوه که غالباً در پژوهش‌های اکتشافی کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرد، بخش‌هایی از مصاحبه در حول مضامین گوناگونی که از مفاهیم نظری استخراج شده‌اند، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

(نگاه کنید به پلامر، 2002).

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شانزده نفر از مصاحبه شوندگان در گروه سنی ۲۹-۳۱ سال، پیست و هشت نفر در گروه سنی ۳۱-۴۹ سال، سی و پنجم نفر در گروه سنی ۵۰ سال به بالا و پانزده نفر از آنها مجرد و شست و سه نفر ماهیت بوده‌اند. پیست و هشت نفر دارای تحصیلات پایین (بیسواد تا راهنمایی)، پیست و پنج نفر متوسط (متوسط تا فوق دیپلم) و پیست و پنج نفر لیسانس و بالاتر بوده‌اند.

جدول ۲ – ویژگی‌های مردان مصاحبه شده

<table>
<thead>
<tr>
<th>تحصیلات</th>
<th>وضعیت تاهل</th>
<th>سال</th>
<th>آقایان</th>
<th>مالک</th>
<th>متاهل</th>
<th>مجرد</th>
<th>بیشتر</th>
<th>انتreo</th>
<th>۱۸-۲۹</th>
<th>۲۰-۴۹</th>
<th>۵۰ و بیشتر</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>پایین</td>
<td></td>
<td></td>
<td>ظرفیت</td>
<td>نواع</td>
<td>میانگین</td>
<td>بالا</td>
<td>متوسط</td>
<td>بالا</td>
<td>۸</td>
<td>۷</td>
<td>۶</td>
</tr>
<tr>
<td>متوسط</td>
<td></td>
<td></td>
<td>ظرفیت</td>
<td>نواع</td>
<td>میانگین</td>
<td>بالا</td>
<td>متوسط</td>
<td>بالا</td>
<td>۷</td>
<td>۶</td>
<td>۳</td>
</tr>
<tr>
<td>بالا</td>
<td></td>
<td></td>
<td>ظرفیت</td>
<td>نواع</td>
<td>میانگین</td>
<td>بالا</td>
<td>متوسط</td>
<td>بالا</td>
<td>۶</td>
<td>۴</td>
<td>۴</td>
</tr>
<tr>
<td>ترک</td>
<td></td>
<td></td>
<td>ظرفیت</td>
<td>نواع</td>
<td>میانگین</td>
<td>بالا</td>
<td>متوسط</td>
<td>بالا</td>
<td>۴</td>
<td>۴</td>
<td>۴</td>
</tr>
<tr>
<td>تالش</td>
<td></td>
<td></td>
<td>ظرفیت</td>
<td>نواع</td>
<td>میانگین</td>
<td>بالا</td>
<td>متوسط</td>
<td>بالا</td>
<td>۴</td>
<td>۴</td>
<td>۴</td>
</tr>
<tr>
<td>کرد</td>
<td></td>
<td></td>
<td>ظرفیت</td>
<td>نواع</td>
<td>میانگین</td>
<td>بالا</td>
<td>متوسط</td>
<td>بالا</td>
<td>۴</td>
<td>۴</td>
<td>۴</td>
</tr>
<tr>
<td>جمع</td>
<td></td>
<td></td>
<td>ظرفیت</td>
<td>نواع</td>
<td>میانگین</td>
<td>بالا</td>
<td>متوسط</td>
<td>بالا</td>
<td>۲۵</td>
<td>۲۵</td>
<td>۲۵</td>
</tr>
</tbody>
</table>

1. Systematic Thematic Analysis
گونه‌شناسی مردانگی در اقوام... ۱۰۷

این مقاله به لحاظ سنجش شناسی تلاش می‌کند تا به‌این سوالات پاسخ دهد که از نظر طیف‌های گوناگون مورد مطالعه، مردانگی در اقوام استان گیلان دستخوش چه تغییراتی پیدا کرد؟ آیا می‌توان در اقوام استان گیلان شاهد دو گونه مردانگی قدمی (ستنی) و جدید (تعديل بافت) بود؟ گونه‌های عمد़ه مردانگی در اقوام استان گیلان چه می‌باشند؟ گونه‌های مردانگی درون قومی و بین قومی در اقوام استان گیلان کدامند؟

تغییرات مردانگی

ساختار مناسبات قدرت در خانوه‌های ایرانی با گذار از جامعه سنتی به مدرن، دستخوش تغییر شده است. با ورود زنان به عرصه اشتغال به جهت ارتقاء، تکمیل و افزایش درآمد خانواده و همجنس دست‌بایی، به استقلال اقتصادی و حقوقدانی فردی. مناسبات قدرت در خانوه‌های ایرانی دچار تغییرات اساسی شد؛ چنان‌که تنها نقش تان‌آوری از احصار مردان خارج شد. بلکه حوزه‌های تخصصی‌گری‌های متفرق گردید و نقش مردان تعیین‌کننده شد. در گذشته نمادهای قدرت در مردان با صفات و ویژگی‌های تصویرسازی می‌شاهد که نسبت به زمان حال تفاوت اساسی دارد. تغییرات مزبور در بین اقوام استان گیلان کم و بیش دیده می‌شود. چنان‌که معکوس‌دند در مناطق گیلک شین، مردان قدمی افتاده و هیمنه خود را با ترس همراه می‌کردند و در تربیت فرزندان خود به آنها سخت گیر بودند، بلکه از روش تربیتی تربیتی بدنی بسیار استفاده می‌کردند. اما حالی که مردان جدید، اقدام تصعيد

---

1 در طرح بیماری مدل ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان ۴۹ درصد از شهره‌های شهر رشت ابراز کردند. همچنین در طرح ارشدی اثرات با عوامل خانوه‌های خود، مردان گیلک و همکاران میزان مشورت و همکاری در سطح شهری ۶۹ درصد است در این رابطه شهر رشت رتبه چهارم را به خود اختصاص داده است. این شواهد حاکی از شکل‌هایی بودند که در این شهر واقعیت با سطح شهری کشور است (۱۳۸۱: ۲۴۱).
عکس ویرایش شده از تصویر صفحه ۵۵/فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۱۰۰۸

یافته‌ته‌تی را نشان می‌دهند و از آنجا که اغلب تحقیل‌کننده، رفتار کنترل شدید تری دارند و در ترتیب زمان‌انداز خود معمولاً از تنبیه پیدا استفاده نمی‌کنند.

جعفر، ۸۰ ساله: من قبل از اقلال با این زست (پوشش) بیرون نمی‌آمدم. من به‌کار بردن کرده‌های دیگر و شلیک‌ها از نظر بین‌نظری کم‌تر را می‌دانم. زندگی به‌طوری که عطر ادوات‌کننده می‌بینم ولی الان نمی‌توانم این کار را بکنم این اثر وراثته، به عنوان پسر نمی‌کنیم.

مصطفی، ۷۹ ساله: فرق مره‌های قدم‌گیران با مره‌های جدید این است که وقتی بابا در خونه خوابیده، بود مامان می‌گفت: بوسید بابا خوابیده. امروز وقتی خونه می‌رم، خانم می‌گه بوسید بچه خوابیده. همین رو می‌شه به فرض کلی گرفت که مرد دنرو جنگر یک مرداد و مرد امروز چطور می‌شه.

میکانیل، ۷۸ ساله: در آن زمان من جلوی پدرم بچه ام رو بغل نمی‌کردم می‌گفتی این دبی. ولی الان اینطور نیست. پسرم جلوی می‌شه و زنش می‌پوشه.

غلامرضا، ۷۳ ساله، روایتی ذکر می‌کند که تعدادی کننده "مرد کنفر رسان" رازرفورد است: مردان در گذشته بیشتر از تنبیه استفاده می‌کردند، بطوری که من شاهد بودم که چندین بار پدرم، مادرم و بچه، یک بالای پلتکان منزل زد اند. این باین، ای جووری ضریب دید که چندن ماه از را با آب و غذا در بستر زنده، به گذشته نگه داشتند. گذشته، یک بار بی‌گرو، بسیار، هفت بار بی‌گرو، بسیار، هفت بار بی‌گرو، بسیار، هفت بار بی‌گرو، بسیار، هفت بار بی‌گرو، بسیار. 

در منطقه شرق گیلان نیز برخی معتقدند که مردان قدمی پیشتر بر اساس هنرجویان سنتی خانواندگی عمل می‌کردند و لی مردان جدید کمتر هنرجویان سنتی خانواندگی را رعایت می‌کنند که این امر نشان از پیشرفت مردانگی و تغییر نشی سنتی "مرد بودن" و "زن بودن" و به دنبال آن هویت جنسیتی دارد. 

حسین، ۴۲ ساله: مردهای قدمی لاهیجان پیش گر و مادر بچه رو بغل نمی‌کردند و با خانم‌شون صحبت نمی‌کردند تمام شنون‌رو در نظر می‌گرفتند. پاهایشون رو دراز
گونه‌شناسی مردینداری در اقوام... 109

نیم کردن و احترام پدر رو گذشته، جلوگیری از حرکت کردن [نها] ایم. اما حالاً اینجوری نیست این‌ها از این رنگ پس روی پدر فریاد کردن و فریادش رو بغل می‌کنند و با حتش فرتنده دل‌بندند.

در تالش نیز مردان گذشته با توجه به جامعه سنتی، رفتارهای صبیحه، داشتند. یک‌ها مردان دامدار و کشاورز بودند و از روحیت و خاصیت پدرسالارانه برخوردار بودند که غالباً تعداد زوجات داشتن اما مردان جدید تالش در هیات‌ها و کارمند درآمده‌اند.

رحیم (تالش) ٣٥ ساله: مرد قدیم تالش دامدار، کشاورز بوده و حلال بازاری، کارمند و غیره شده.

جواد (تالش) ٤٧ ساله: حالاً تغییرات اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و چسب به وجود آمده قابل مرده درشت هیکل بوده و از نظر اجتماعی و یک‌ها مرده قابل مرده‌ها دو یا سه تا زن رو برخی می‌گرفته ولی حالاً خیلی کم جراث می‌گردد. من پدیده‌های به یک‌ها به گزاره تا زن داشته با باید دو تا زن داشته ولی حالاً خطومن روی به رونه‌گر کردن... قبل این اعمال و احتمال پر انتخاب می‌دوین.

می دونستند، آن‌ها مسئول و سیلی قیمه خوب، رو برای خودشون انتخاب می‌دوین.

در بین ترک‌ها نیز مردان جدید مثل گذشته نیستند، مردان قدیم آستانه‌های تر، ساده‌تر و غیرتی‌تر نسبت به مردان کنونی بوده‌اند. از این رو می‌توان گفت مردان ترک گذشته‌های در نمایش خصائص اخلاقی و رفتارهای سنتی با سایر مردان اقوام کبیری تفاوتی نداشتند. اما در ایفای نقش مردانگی در قالب موقعیت‌های از بیش‌تنی سه‌ده شده عمل می‌کردن و لی‌ایان موقعیت‌ها در جامعه جدید در معرض بازنگری قرار گرفته است.

سبب: مرد همان مردهای سابق، مردهای قدیم، نسبت به حالا نیاز به اخلاق نیز تر با مذهبی‌تر بودن. مادر بزرگ‌نالش، ناسف می‌خوره، او یا گوردش اموروژی نسبت به گذشته زمین تا آسمان فرق کردن، هم از نظر اعتقادات هم از نظر هیکل.
جلد ۵۵

علی من سه تا پسر دارم و یه دخترم دارم، آن موقع پش پدر و مادرم آنها رو بغل نمی کردم اسم زنم را صدا نمی‌زدم.

کره‌ها ساکن گیلان معتقدند که در کاذب‌شته، مردان قدیم، از همسپرستی اجتماعی بالایی بین پدردار بودند. کمک به هم‌نوع از صفات بارز آنها بود. به نظر آنها، کار و فعالیت، احترام به ارزش‌ها، تعصب به مشروطیت پدر، صدا، تدین، از خصص‌های مهم مردان کرد قدیم گیلان بوده اما امروزه این ارزش‌ها دستخوش تغییرات بسیاری شده است.

حسین (کرد) ۷۱ ساله: زمان‌های قدیم کسی عروس می‌آورد جلوی پدر مادره‌اشون یک‌سال وا نمی‌ Veranst. شرم می‌کردند. حرف نمی‌زدند غذا نمی‌خورند.

جدول: حرفی که آنها حرفی را گفتند حرف خود و هم‌اکنون هم آن حرف رو انجام می‌دادند ولی الان دروغ زیاد شده. در آن زمان کسی می‌گفت وله تمام بود نه چک بود و نه ستنه...

تحلیل معاشی ریکاری از گزارش‌های مردانگی و تغییرات نسیم به مقوله مردانگی نوستالژیک نسبت به تغییر ارزش‌های مردانگی است. تفاوت مردان قدیم و جدید یادآور نظریه کلی است. به نظر وی شاهد تغییرات زرفی در زندگی مردان هستیم که نشان از پیامردانگی در جامعه است. بنابراین، تصویر ما از زن بودن و مرد بودن به شرایط خاص جامعه و فهم ما از دو جنس در هر دوره زمانی بستگی دارد.

جدول ۳- تفاوت مردان قدیم و جدید از دیدگاه اقامت‌های استان گیلان

<table>
<thead>
<tr>
<th>اقامت قدیم</th>
<th>اقامت جدید</th>
<th>مردان قدیم</th>
<th>مردان جدید</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>گیلک</td>
<td>هیمنه همراه با ترس، سخت گیری تربیتی، تبیه بدنی، کرواتی، بودن، نداشتن رابطه عاطفی با همسر نزد والدین، وجود گیم کتر مردان در این خانواده‌ها، اعمال سخت گیری و نظارت، برای جمع‌آوری احترام از طرف همسر، رابطه عاطفی با زبان والدین، سیگار نکشیدن در حضور بزرگتر، اجازه ندادن به فرزند در حضور حضرود، خانه، قلی، بودن</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>تالین</td>
<td>کارمند، بازاری، انتخاب کردن به داشتن نسبت به همسر، تعدی زوجات، قوی هیکل، انتخاب نسبت به تعداد دام و احشام، نداشتن رابطه عاطفی با همسر نزد والدین، سیگار گیم، دانشگاه در این کارمندان، تکیه در حضور والدین، نگهداری از مسکن و وسیله نقلیه، تحریک جسمانی کمتر نسبت به گذشت.</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>
در کنار دو گروه عمده مردانگی در استان گیلان، که برخاسته از دیگر مصایحه‌های شودنگان است و خلقت ذهنی دارد می‌توان طیفی از گروه‌های گوناگون مردانگی از مرضانیتی که تا پیشینه پیدا کرد، می‌توان یک بیشتر ناشی از تجارب و
شرايط عيبي زندگي آنهاست. تغييرات مردانگي و متعاقب آن، وجود جنگهای
گوناگون مرايگي نشان از نقش تعين كننده نقش مساوی در شكل ديگي
مردانگي دارد که به موجب آن مردانگی در گفتگو مثير مشود. جنگهای مربوط

عارتند از:

مردانگي سنئی: اين سنخ از مردانگی قائل به برتری مردان بر زنان است که با
تربیت نکودن های جنسیتی، نظم و سلسله مراتب کنونی در خصوص جایگاه زن و مرد
در جامعه را حفظ و تشییع می کند (پاپاده، 1387: 2). بر اساس دیدگاه مدرن،
نظام ارزشی مردانه، یا زاویه دید مردانه، هنجاره گزارش کردند، به شیوه و تجربه
کردن جهان است. در این مطالعه، آنها غایباً از اقسام روتستی و دارای تحصیلات
پایین هستند که به مردان تامین جنسی در فعالیت های روزمره می کنند. آن اینونه
رفتار زنانه توسط مردان را بر نمی تابید. آنها به بغل کردن بچه، صدا کردن اسم زن در
مقابل وزنه انگرها، اشغال زنان، حضور زنان در عرصه عمومی و نشان کردن مردان در
مرزه های جدیداً تغییر منفی در این دانستی و مقبولیت همکاری پرورشیان با همسرانیان در
کارهای خانگی خستند و به جامعه پذیری سنئی در تربیت فرزندان معتقدند. چنین
نگرشی بیشتر در مردان مناطق روستایی اقامت تالش و کرد گیلان دیده می شود. آنها
سایر گونه‌های مردانگی سنئی: مردان زن صفت و مردان داماد سر خانه را نمی پذیرند. از
نظر جامعه شناسان این سلطنت را شایع ترین شکل حاکمیت مردان در قابل هم‌ونی
مردانه (Morgan, 1993) یا در غالب سلطه سنئی مردانه (Connell, 1995)
برتری مردان (Segal, 1990) به حساب می آید.

رحم، لیسانس، ۳۵ ساله، ساکن شهر تالش به نکاتی اشاره می کند که نشان از
روایت خاصی از مردانگی سنئی است:

۱. در این مطالعه، مردانگی سنئی معادل مردانگی قدیم در اندیشه، رفتار و با اندیشه نساجی متاخ بر مردانگی

همونیک کنال است.
هیترو برای تالش چا ذیل چه مرد یا نشانه که هیترو چا نفتاده که در آنت فکر گزار ده که در کارک. معمولاً رفتار خشن یا به‌افراد کوهستانی نسبت به آنها در ترتیب تالش چا در کوهستان زندگی می‌کنند. اگر رفتار زمخت در آنها هم وجود دارد. شناخت می‌تواند خامه بدون اجازه شوهر جایی عرفه باشد شاید شورش به کشیده به همسری به‌صورت، یا مثلاً چهار یا چهار به همسایه‌اش به‌این با ایجاد همسری بدهیری مدهی غیر قابل قبولی که زناها بیان معامله کنن. حتی با ایجاد شوهر و همسری شوهر این کار را انجام بدین.

سیاست‌های مردانگی آنان در جهت حفظ وضع موجود و تجربه از به‌پیروی کنشی است. زیرا حفظ این‌راسته‌های مردانگی منافع این به‌عنوان یک مردان را بهتر تامین می‌کند؛ اما با کشتار شهرونشینی، افزایش سواد و استغلال زنان، مردانگی سنتی مقولیت سنتی خود را از دست داده و مردانگی بیشتر خصوصیت سیاسی، بازآمدی و تکرر به‌خود گرفته است. از این رو، بازکردن مردانگی سنتی در نواحی رومانی به‌خصوص کوهستانی بیشتر است وی‌لی با توجه به گرفتگی و عامل‌دار در شهرها میزان باز تعریف مردانگی در مناطق شهری بیشتر است این‌را امر تداهن‌کننده بوده است. که در میان‌گوناگونی عادت واره‌های گوناگونی وجود دارد. بنابراین در عرصه‌های اجتماعی شهروی عادت واره‌های متداولی نسبت به مناطق رومانی در خصوصی عادت، ارزش‌ها و هنگام‌های جنسیتی وجود دارد که در ایجاد آنها استفاده از منابع اقتصادی و فرهنگی موث‌م‌س‌م‌ی‌ش‌د. مردانگی نمه سنتی 1 آنها رویکردی بی‌پایینی (سنتی-مدرن) دارند و با هرگونه خشونت علیه زنان مخالفت‌اند. هرچند با تماشای جنسی در فعالیت‌های روزمره مخالف‌اند ندارند، ولی عقیده‌های دارند که هر یک از زوجین یا ایده‌های خود عمل کند و نه‌ها در شرایط‌های این وظایف بر عهده مردان است که زنا ناوان از بر عهده گرفتن.

1 در این مقاله، مردانگی نمه سنتی، مدرن و پس‌مدرن مترادف و در ذیل مفهوم وضع نزدیک به‌نام مردانگی جدید قرار گرفته است. (در ذیل مفهوم اختصار راز خورود است.)
نقش خود باشندایی سنگ از مردانگی، دیدگاه متقاوت و گاه متعارض در خصوص
نقش‌های "مردانه" و "زنانه" دارد. از یک سو، مواد حضور زن در عرصه عمومی به
ویژه اشتغال هستند و از سوی دیگر، اشتغال زنان در برخی از مشاغل آراد را نیز نمی-
پذیرند و با برخی نقش‌های سنتی از قبل بغل کردن بجه، صدا کردن اسم زن در مقابل
برگزاری مخالفتی ندارند در عین حال بی‌برخی رفتار‌های زنانه مانند: زن صفتی و داماد
سر خانه شدن خود و فرزندانشان مخالفتند. چنین نگرشی عموماً در بین همه اقوام دیده
شد است.
منوجه، دبیله، گیلک و ساکن شهر رشت: آن معمولاً خانم‌ها سر کارن با
دانشجو هستن و بجه دار شدن و مردها با خانم‌ها هم کمک می‌کنند یا کمک و مساعدهی
به می‌رن. مثلاً هم می‌شوند و بجه داری هم می‌کنند. در حال حاضر با یکه‌های هم
عوض می‌کنند و بجه روا تر و خنکی هم می‌کنند.
مناسب با یک جمعی در حال گذار ایران، این سنگ از مردانگی وجود دارد که نه
کاملیست و نه کاملاً مدرن محصول می‌شود. استراتژی این یک خشک از مردان گاه در
جهت حفظ ارزش‌های سنتی مردانگی و گاه در جهت تغییر آن است. گذار از مردانگی
سنتی به نیمه سنتی نشان از بی‌بایی و تغییرهای مفهوم مردانگی دارد.
مردانگی مدرن: آن‌ها غالباً تخصص کرده و بیشتر در نقاط شهروی و سواحلی گیلان
ساکن‌اند که خیلی مواد نقش‌های سنتی جنسیتی نیستند. مخالف حضور زنان در
عرصه عمومی نیستند و با داماد سر خانه شدن و فرزندانشان سنتی ندارند، بغل کردن
بجه و صدا کردن اسم زنان توسط فرزندانشان آنها را آردیده نمی‌سازند و مخالفت نشان
کردن مردان در مزرعه نیستند. زن صفتی در مقایسه با سایر افراد کمر آنها را ناراحت
می‌کند. علاوه بر این با اجتماعی شدن سنگ سنتی پرسش‌ها و مخالفت نیستند و خواهان
همکاری پرسش‌ها با همسرانشان در امور منزل هستند. چنین نگرشی بیشتر در
شهرهای رشت و منطقه سواحلی گیلک نشین و تا حدودی نقاط شهرهای آستارا و گیلان
دارد. این سنگ از مردانگی با واکنش‌های متفاوتی در فرهنگ جنسیتی گیلان مواجه بوده

*گونه‌شناسی مردانگی در اقوام...*
است.زیرا برخی آنها را بعنوان "مردان خوب و خانواده دوست" نقلی می‌کنند و در
دید عده‌ای دیگر یوزه مردان سنی می‌شناسند به "زن ذلیل" هستند. به حال، چنین
سیاستی از سوی مردان، نوعی استراتژی مردانی در مقابل زنان و خانواده محسوب
می‌شود.
فرامرز (ترک) فوق دیپلم، ۴۵ ساله، ساکن شهر آستارا: یه مرد ذن دلیل حرف زیاد
نیم شهوت. تهیه زیاد هستی خورا، جر و بحث هم زیاد نیم کنه... من اگه پدرم بیاد خانه,
بلند می‌شم سلام می‌گم ولی من اگه پرم خونه پسرم لم داده داره کیف می‌کنه حتی اگر برم
در آشیانه؛ دختم که دانشجو هست. می‌گه آشیانه‌می‌روی؟ دو تا چاپی هم بدار و
پیار.
سنین (کبک) ۴۱ ساله، فوق لیسانس ساکن شهر رشت: من میرم خونه، زنم
کارمنده و پاش هم درد می‌کنه. مادرم که از مرزه می‌آمد حتی روز مزرعه مردم کار
می‌کرد پدرم این کامی رو روی آن کامی نمی‌داشت ولی من می‌آم خونه به تغییری از زن
دارم برای خودم. می‌آم یه می شورم ملاک آقاد جمه (بیب مرد حاضر در مصاحبه)
اگر وارد خانه از پنه می‌گه مگر نه عقل نداره؟ تو مگر مرد نیست؟
این سنین از مردانی بیشتر تمایلات فeminیستی داشته و در جهت تغییر مردانگی
سنین گام بر می‌دارند اما اقداماتی آنها غالباً با واکنش منفی مردان سنی همراه است.
لازم به یادآوری است که این تغییرات موجود در سطح جامعه شاهد می‌باشد
رفتن مردانگی سنین در استان گیلان به ویژه جامعه شهروندی هست و مردانگی نیمه سنین
از وزنه و اهمیت بیشتری برخوردار است و شکل سلطان مردانگی در گیلان را تشكیل
می‌دهد. به توجه به تعیین نسیانی از مردانگی، هر چند مردانگی مدرن شکل سلطان
مردانگی در گیلان نیست، اما با توجه به تغییرات اجتماعی و دگرگونی در ذائقه جوانان
پیش بینی می‌شود که مردانگی سنین و نیمه مدرن جای خود را به مردانگی مدرن بدهد.
زیرا در فرانسه، نوسازی، میزان فردگرایی و عاملت ذهنی یافت و با تعیین هدفیت
جنسبی مردان رو به فقوط می‌نهد که به تعیین مجدد از مردانگی براساس مفاهیم

فرهنگی جوامع و متفاوت از یکدیگر منجر می‌شود. با تعریف هر یک مردانگی به شکل گیری هویتی می‌پردازد که مردان در برای سنی رایج، آداب و هنجرهای تاریخی شده‌گذشتند در پیش می‌گیرند و مقاومتی را نشان می‌دهد که ایشان توسط به تسلط مردانگی هم‌مردمیک و نزدیکی دو جنس در حیطه‌های گوناگون ارائه می‌کنند (گینز، ۱۳۸۲: ۶۵).

مردانگی پس مدرن: افزایش قدرت زنان در جامعه شهرونه گیلان، باعث نگرانی در بین برخی مردان شده است. آن‌ها هرچند با هرگونه سنت‌مارکی جنسیتی مخالفند، ولی با خلخل ید قدرت مردان نیز موافقت نیستند. تزریز در نهاد خانواده، کاهش ازدواج، افزایش طلاق و زیر سوال رفتن برخی سنت‌های دیرینه که اجتماعی و ثبت اجتماعی را در معرض خطر قرار داده است، اسباب نگرانی برخی مردان در جامعه شهرونه گیلان بی‌یزده شر

رست شده است. به زعم آن‌ها گرایش‌های فمینیستی در ایران چه از جنب مردان و چه از جنب زنان، نه تنها حالات مشکلات خانواده بی‌یزده زنان نیست، بلکه اسباب مشکلات عدیده‌ای در خانواده شده است. این امر تشخیص کننده رویکرد نظری پاسافینیسم است.

پاسافینیسم به عنوان یک گرایش پسامدرن مثبت‌البخش و نیز به عنوان یک جنبش اجتماعی جدید می‌کوشد به سوی برداشتی نظام‌های اسلامی تا کام بر دارد. بر بنا بر بایان این گرایشـ، پاسافینیسمی، مولوگ مطرح شده از سوی فمینیسم مدرن، این جنبش را در دام دیکتاتوری زنانه می‌اندازد و گره‌های مقاومت و پادگنمانی ضد فمینیستی را پرورد آن بسیج می‌کند (قانعی راد، ۱۳۸۸: ۱۳۵).

نیما، ۳۳ ساله و دانشجوی علوم اجتماعی، ساکن شهر رشت: نطفه قوت مرد گیلک

آن است که حتی در گذشتئه نیست به سایر نقاط ایران احترام بیشتری به زن قائل بود. ولی ضعف مرد گیلک این است که خود را داره خلخل ید می‌گن. بعنی می‌خواهند را داده از

خودش می‌گیره و وقتی این را در اختیار زن می‌دهه این بست که پاسافینیسم را یافته است.

فریدون، ۴۸ ساله، و کارشناسی ارشد تاریخ، ساکن شهر رشت:
نابیلد شدن زنان به حقوق زنان چیز مثبتی، ولی در بعضی جنبه‌ها نیل به آن حقوق زن را به‌طور آزمایی در خانواده کشانده و چشم و همچنین و رفاه در بین خانواده با توجه به سطح در آورده‌ها به سری مشکلاتی روز و برجسته آورده و این رابطه سازگاری با مرد را با مشکلاتی مواجه کرده است.

در کار سنجش‌های پایداره، مردانی فردیت و وجود دارد که در سلسله مراتب پایین مردانی قرار دارد.

مردانی حاشیه‌ای
الف- مردان داماد سرخانه

یکی از کوه‌های مردانی در گیلان "مردان داماد سرخانه" است. یعنی دامادی که بعد از ازدواج به خانواده زن بر گردید و همان چا زندگی کند و "خانه داماد" نام می‌گیرد. نگرش افراد جامعه نسبت به داماد سرخانه، منفی و قبول با تحقیق است و به طنز آنان را کارگر، حمال، اجری و مانند آن می‌نامند. آنها بی‌بازاره مردان فردیت تلقی می‌شوند که نقش حاشیه‌ای بین مردانی در گیلان دارند. در برخی اقوام روستایی گیلان (کردی و تاغی) چنین افرادی مردان تحقیق شده‌اند. اما می‌گذانند آنها نیز بیشتر در رهگیری سنین گیلان هم‌مانند مردان زن صفت (واخواه) در سلسله مراتب پایین مردانی در استان گیلان جای می‌گیرند که در قطع مقابل مردان هزمونیک قرار دارند. در این رابطه دیدگاه اقوام متعدد گیلان تأمین بر انتخاب است. در منطقه کیلک نیشین استان گیلان که مردانی سنین یا چالش‌هایی مواجه شده‌که در سه‌هاد ٧٧ ساله زیبااندازه سنی داماد سرخانه شدن فرض‌های مختلف نیست بلکه خیلی خوشحالم.

١ xana damad
گونه‌شناسی مردی‌داری در اقوام – 119 –

بهزاد، ۳۰ ساله، رشت: اینه من با داماد سر خانه شدن مخالفتم و من این رو برای پسرم نیز ترجیح نمی‌دهم. چون کسی که اهل کار نیست و می‌خواهد تنبلی کنابی کار رو انتخاب می‌کند.

تالشها نسبت به "مردان داماد سرخانه" واکنش منفی تری دارند. آنها چنین مردانی را به‌عنوان دامان زیر سلطه می‌دانند که موقعیت مناسبی در سلسله مراتب خانوادگی ندارند.

حامد، ۲۱ ساله: اصلاً، کسی به خاطره وقایت زن‌ها ازدواج که تا آخر عمر نوکر همسرش.

جواد، ۴۷ ساله: من راضی نیستم.

ابراهیم، ۵۶ ساله: من با داماد سرخانه‌ی بدون پسر موفق نیستم.

بنابراین مناطقی که دارای مردانی هژمونیک بیشتری هستند، بیشتر با داماد سرخانه‌ی شدن مخالفند؛ زیرا چنین مردانی بیشتر زیر سلطه‌نداز و مستقل و غیر مستقل تداوم کنند و مردان زن‌ها هستند که جایگاه فرودیت در جامعه دارند. در مناطق ترک نشین نیز داماد سرخانه‌ی شدن مثبت تلقی نمی‌شود آنها نیز چنین نقشی را در فرهنگ سنتی ترک‌ها متناول نمی‌دانند.

علي، ۷۹ ساله: من با داماد سر خانه‌ی بدون پسر موفق نیستم. او زنگ شده تا برای ما خدمت کند. من بارا یک خانمیش. من این را بزرگ کردم. زحمت کشیدم.

یحیی، ۳۷ ساله: من هم موفق نیستم. چون این در خصوص ترک‌ها نیست... کرده‌ها در مناطق شهری در خصوصی داماد سر خانه‌ی فرزندان خود با توجه به شرایط خاص واکنش ملایم‌تری نسبت به مناطق روستایی کردنشین نشان داده‌اند، ولی نسبت به عقد مکاتی داماد که پدیده‌ای مدرن است هم داماد ملزم به زندگی در مکاتی خاص به همراه همسر است مخالفت بیشتری نشان داده‌اند.

راوه، ساکن در منطقه شهری رستم آباد: یستگی داره اگر طرف به دختر داره یا کسی رو نداره رفت دخترش رو گرفته با او زندگی گنگ اشکالی نداره.
انتصار، ساکن در منطقه شهری رستم آباد: از اول موقعیت آن طرف را نگاه می‌کنیم واقعیت کافی داشت مشکلی نیست. اگر عقیده مکانی بعنی این که هیچ حق نداری از رستم آباد خارج بشی، اگر برای پسر پیش بیاد من قبول نمی کنم. زن یاده با لباس سفید یاد و بره.

صادقی، ۲۷ ساله، لیسانسی: من با داماد سر خانه شدن فرزندم مخالفتی ندارم در مورد خودم هم ممیز طور.

کردهای ساکن در مناطق روستایی در مقایسه با شهر اقامت، واکنش منفی تری در خصوص مردان داماد سرخانه ابراز نمودند. آنها چنان پیده‌های را در فرهنگ سنتی کردهای گیلان، امروز به‌نحو نمی‌دانند.

حسنی، ۳۱ ساله، ساکن در روستای گنجه: اینه توی این محل نیز با داماد سر خانه شدن فرزند مخالفت من هم مخاطبانم. او اگشته نمای همه من شه. اگر حلال شما آباد عقد کردمی بهنام اینجا سر خانه و در خانه مادر زن ظاهر بپیشه به شما می‌گم او چتر انداده. (الگر اندادخانه، کتابی از مهمن ناخوانده بودن)

این امر تداوی کننده نظریه کان است. یکی از بررسی مردان گوناگون حاضر در جامعه و ساختهای تیپ‌های ایده آلی از مردانگی آنها. نشان داد که در هر دوره و در هر زمانی خاص، روابط جنسی خاصی مسلط است که مردانگی و زنانگی در آن هزمونیک هستند. در این باره، سابیر انواع مردانگی با زنانگی منحرف و غیر طبیعی جلوه خواهند کرد (لازی، ۱۹۹۹: ۴).

ب - مردان زن نما

یکی از گونه‌های مردانگی در گیلان، مردان زن نما است که جودیت لزوم در گونه شناسی همواره به‌آن اشاره کرده است (کیلدز، ۱۳۸۷: ۱۸۳). این سنخ از مردانگی و از جنسی شده، معنی‌الاً رفتار و حرکات خود را زنانه نمایش می‌دهد; جوانگی زیبای بی‌می دارد. اما و اطوار زنانه دارد و با آراشی زنانه ظاهر می‌شود. مخالفت با این نوع مردانگی را که همراه با زن صفحه است، می‌توان در ادیبیات سنتی نیز جستجو
کرد. در گذشته مردان را از این نوع رفتار بر حذر می‌داشتند. زن صفتی برای مرد و هن و دسته‌بندی محسوب می‌شد. میر سید علی همدانی (1478-1357) نویسنده قرن هشتم می‌نویسد: "دنیا با آن همه نعمت، رنگ و یک فریادی که شدن بیش نیست و به رنگ و یک فریادی که شدن خاصیت زنان است، پس هرکه را این خاصیت غالب است، به حقيقت زن است، اگر چه به صورت مرد است ..." (سنگری، 1386: 110). اقوام گوناگون استان گیلان مردان زن نما را غیر عادی می‌دانند. در شرق گیلان، مردانی که نمی‌توانستند نفوذ و قدرت خود را در خانه نشان دهد مقام و منزلت خود را از دست می‌دادند و صفت "زنک مانند" یا "کرکا موم" می‌گرفتند. کاربرد این واژها و عبارات تهیه آمیز خطاب به مردانی است که از زنی حرف شنوی دارند. این نظام سلطه‌گری و وجود یافتن شنیده‌شده مردان در این خانه را برای تریبون صنعت فرزندان لازم می‌دانستند. در چیزیتی فرضی بدل عنوان مردان و مادر عنوان مفعول داشت. در مقابل حرف شنوی زن از مرد نه تنها مقدم نیست بلکه از نکات مبتدی برای او نیز محسوب می‌شد.

نتکه مهم آن است که در طی دهه‌های اخیر شاهد گسترش مردان زن نما در سطح کشور به خصوص مناطق شهری هستیم. از نظر کارشناسان زن نما شدن مردان، نشان از بحران اخلاقي در جامعه دارد. همچنین بحران اخلاقي ناهنجاری نمایی، معرف شرایط گزار جنسیتی جامعه هم به شمار می‌آید که در آن، ارزش‌های سرشار مرزندی جنسیتی از کارایی افتاده‌اند و ارزش‌های نوین تفکیک پذیری و ادغام پذیری جنسیتی نیز هنوز به درستی چاپ گیرین نشده‌اند (محمدی اصل: 1384: 49-48). زن نما شدن بعنوان یک پدیده مدرن است که در آن تعهد و پایین‌بردن مردان به مرزندی‌های جنسیتی تضعیف

1. Zenaka Mašelay
2. Kerke Mume
3. پیده‌پذیری است هرگونه نگاه افکاری زنان در فرهنگ سنتی ایران و گیلان با واکنش منفی همسران بوده است. در فرهنگ عرب‌های آمریکا، است که "زن سلطه شوهر مرد است" یعنی زن مسلط بر مرد ماند شوهر او است.
شده، البته این مفهوم در فرهنگ جنگی گیلان با سازهٔ زن ذیلی (زن گرایی سنتی) که در آن زنان سلطه جو و مردان سلطه یافته و فراموشندی متفاوت است. (محمدي، ۱۳۸۹: ۲۱)

در فرهنگ جنگی گیلان این سنگ از مردانگی با واکنش‌های متعددی در بین اقوام استان مواجه شده است. بطوریکه کاین واکنش در مناطق روستایی در مقایسه با مناطق شهری و در بین اقوام کرد و تاتش در مقایسه با اقوام گیلک و ترک منفی تر بوده است. همچنین افراد سنین بالا دیدگاه منفی‌تری از خود بروز داده‌اند. در اقوام گیلک استان گیلان چنین عملی زشت، دور از طبیعت مرد، فقدان اصالت مردانگی و همراه با توهین محصول می‌شود.

نتیجه گیری و ساکن شهر رشت: دردشته منفی بود ولی الان اینطور نیست الان اگر چنین ناشی بر اثر جهیزه پیشتر خاواده کیوانا اودم. امیر: ۲۴ ساله، گیلک و ساکن در لاهیجان: به او هر فرد بد می‌زنند و می‌گویند دختر، خراب شده. با از دختر بدر وی مثلک با او می‌گویند "زنک مچ" (زن صفت).

اردشیر: ۵۶ ساله و ساکن در منطقه سواحل می‌گوید: آن را بد نگاه می‌کنند به نوجوان نابی‌رودی خوش را بیشتر که آن را با سایر راهنمای و ارشاد کرد تا به راه دست حرکت کند. ما در سه نفر داشتیم اینجا با آنها صحبت کردم که آقا این راه رو که میرین درست نیست.

بهمن (نالش): ۴۵ ساله: اینجا باید، بهائی روستایی است و تفکر، تفکر روستایی است. اون‌ها افراد را به دید تحقیق آموزی نگاه می‌کنند. آن‌ها رو مردم نمی‌دوختند. به آن‌ها خیالی کار محول نمی‌کنی یا به آن‌ها اهمیت نمی‌دهند.

فرشاد (نالش): ۲۰ ساله: به کلیه‌ای که برای این افراد پیکار می‌برد اینه که فلئی پسر لاته‌یا آدم سالمی نیست که این نوع پوشش رو داره با قبایل اش انجومه.

١. Zenaka Mačča
حسین (ترک) ۲۴ ساله: آنها یک قدمی اند. به‌این حال، هم‌گذاری می‌کنند ولی آنها که امروزه هسته‌ای آنها روش‌هایی هم می‌کنند و به او می‌گویند که مهارت‌های این‌طوری درست کرده.

مختار (ترک) ۴۵ ساله: در محل ما چنین آدمی نیست. اگر پدر مادر شد در انتخاب باش و پدرگان‌های می‌رن به پدر مادرش می‌گن که یسرت این کار روزی چو در محل ما این کار زشت‌بین وسه خانهاست نه آقایون...

جعفر (کرد) ۳۶ ساله: آنها رو مثل زن ته‌ها می‌کنند. اگر صدا بزنیم اورا زن می‌گیرم. مرد باپی مردانگی رو از خروص یاد بگیره آن که ما خواهیم فوق‌لیکی بکه سینه‌اش رو می‌اندازه جلو.

در مجموع، مردان زن نما در استان گیلان در گروه مردان فردّسیت قرار می‌گیرند که از راه و رسم مردان و هننجرهای جنسیتی متبع‌رف عدول کراده‌اند که تا تا مورد اهانت مردان بلکه مورد اهانت زنان هم قرار می‌گیرند. از نتیجه مصاحبه می‌توان دریافت که هر چند مفهوم جنسیت در استان گیلان، دست‌خوش تغییراتی شده، ولی جامعه هم‌جنگان خواهان حفظ مردان‌گی جنسیتی است. اکنون، گفتگوی مکملی که جامعه از مدران انظر دارد بازتوینه مردان‌گی است. این مدل مردانه، از همه مردان و زنان، می‌طلبد که با رعایت ارزش‌ها و هنجره‌ها در خصوص مردان‌گی جنسیتی ایفای نقش کند.

نتیجه‌گیری

نتایج بدست‌آمده از مصاحبه‌های فردی و گروهی و سایر تکنیک‌های کیفی نشان می‌دهد که مردانگی صرف‌اً امری بیولوژیک نیست بلکه سازه اجتماعی نیز هسته. هم‌جنگان مردانگی امری ثابت نیست بلکه بی‌روی است و در اقوام استان و در سنین متفاوت.

۱. تعبیر خروص به‌عنوان مردانگی ندایی که دیده کرده‌اند گیرنده در مورد "جنگ خروص اتالی بای" است که در آن تحقیق خروص نماد مردانگی است. به نظر گیرنده، ویژگی‌های اخلاقی زبان روزمره، جنبه مردان دارند و خروص واردن (گیرنده ۱۹۷۳: ۱۴۸).
نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مردانگی یک پرسشته اجتماعی است. جنسیت، نه تنها چندگانه است، بلکه نسبی نیز هست. تکه‌های آن است که مردان، ایده‌های خویش از مردروند را در ارجاع به تعاریف‌های زنانگی به می‌آزماید. آن چنین که به معنی مردروند است، هیچ‌همانندی با زناندند ندارد. در این مورد، "زن‌نما شدن" و "داماد سر خانه شدن" در این اقوام گوناگون استان گیلان با واکنش یکسانی همراه نیست. بطوری که در اقوام گیلک و ترک در مقابله با اقوام کرد و تالش ساکن استان گیلان با تساهل بیشتری همراه بوده است. همچنین در درون اقوام نیز این امر یکسان نیست زیرا در بین افراد تحصیل کرده، جوان و شهروی در مقابله با افراد بیسواد، سن و روش‌های، با مداری بیشتری مواجه می‌شود. ولی طبیعتی، نگاه تحقیق‌ای مبنای وقی و مشترک اقوام استان گیلان بوده است. بنابراین، مردان، از طریق تماز، با یکدیگر تأمین نر آنجز زنانه‌اش می‌دانند، با یکارش ساختمان زنانگی دورن‌خود (جداسازی) و دیگران (پرتری مردانه). مرد بودن خود را تعریف می‌کند.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که دو تعبیر از مردانگی در استان گیلان وجود دارد. یک مردان قدم و دیگری مردان جدید. درباره مردان قدیم و جدید نگرش متفاوت و گاه منتفیه‌ای ارزش است. مردان قدیم زمانی و کیفر رسان و از قدرت هومونیک در خانواده به‌خوردارند. در حین حال، دیدنار، غیرتی، قدرتمند و قابل اعتماد بیان‌نامی شده‌اند. اما مردان نوین در استان‌های خود نسبت به زنان، کودکان و نیازهای عاطفی آنها، حساسیت فراوانی دارند، آنها بدر بودن را به راه و رسمی دلیل و محیطی تبدیل می‌کنند. و پرورش دهندگی تیزی‌کردن اما ملایم و مهرباناند (گیمر، 1386: 181). این ساختار از مردانگی، با خصوصیات‌های چون عمل به شعور از نمایندگی قدرت جسمانی و غیرت مردانگی کمتری بازنمایی شده‌اند. از این رو در زمان‌های گذشته مردان اقوام
گوناگونی استان گیلان در ساختار خانواده از هیمنه و قدرت زیادی برخوردگر بودند و
قدرت در خانواده بصورت هرمی و نامتقان بود و عمداً از ابزار خشونت در جهت
تلیب مراقبت سود می‌جوشتند. بدين ترتيب، قدرت فیزیکی از عناصر مهم مراقبتی
بود.

اینک شاهد تغییرات مراقبتی در اقامت استان گیلان هستیم، به طوری که مراقبتی
نه در قدرت فیزیکی و کار بدنی، بلکه بیشتر در کار فکری و دهنی تعبیر می‌شود. تغییر
معنای مراقبتی تداوم کننده دیده نیشه و فوکو مبني بر این است که عناصر به شکل
تبارشناسانه ساختم می‌شنود (شرط، 1387: 198). در این راستا، تغییر معنای مراقبتی
نیز بدين معنایی که مراقبتی طی فرآیند تاريخي به شکل تبارشناسانه برساخته شده
است زیرا قدرت یکي از عوامل مهم شکل گيرى برساخته تاريخي است. از اين
رو به كلام مراقبت اقامت گیلان از قدرت فیزیکی و اقتصادی بعنوان ابزار سلطه
عليه زنان استفاده مي‌کردن اما با كمتر شهرونشينی، ارتفاع تحصيلات و استغال
زنان معاي مراقبتی سنى با مقاومت زنان روبرو بوده است و اين قدرت بصورت
ورونه در خدمت زنان در آمده است; بطوری که با قدرت گرفتن زنان، معنای
مراقبتی خصوصی عاطفي بيدا كرده است (يعقوبی، 1390).

بنابراین روايت واحدى از مراقبتی وجود ندارد بلکه شاهد تنوع مراقبتی درون
گروهی (در درون اقامت) و بين گروهی (بين اقامت) در مناطق گوناگون استان گیلان
هستیم. از اين روان پايانه ايين پژوهش، با مباحث تئوريك كاينل (1995) كيمل
و يافتههای پژوهشي راتر فورد (1988) در خارج و ذكايي و ميرزايو (1384) در داخل,
همسوئي دارد.

نکته مهم آن است که در راستاي دو گونه اصلی مراقبتی با عنوان مراقبتی قديم
و نوبن يا تعديل يافته‌ها مي‌توان طبقي از مراقبتیهاي گوناگون را در اقامت استان گیلان
پيدا نمود کسانی كه مدافع مراقبتی سنی هستند در جهت حفظ وضع موجود عمل

1. Modified
می کنند و با هرگونه تغییر ارزش‌های مردانگی سنتی، مخالفت جدی دارند. این سنگ از مردانگی به‌اقداع تسامح شیوه‌نیسته به "مردانگی هژمونیک" در ارائه‌کننده کالی داردو بیشتر در اقوام کرد و تأثیر نواحی کوهستانی گذشته دیده می‌شود. در کتک این سنگ از مردانگی، مردانگی نیمه سنتی وجود دارد، این با رخی از شخصیت‌های مردانگی سنتی و با برخی جنبه‌های مردانگی مدرن موارد است. استراتژی‌ای این حامیان زیادی در بین مردان اقوام استان گیلان دارد؛ زیرا آنها هم از مواهب مردانگی سنتی و هم از منافع مردانگی مدرن بهره‌مند هستند. این سنگ از مردانگی تداومی کننده مفهوم "مردانگی هژمونیک" کننده است و آنها از موضوع مسیر مردانگی هژمونیک در نظام پدرسالاری نفع می‌برند. درنها، یکی دیگر از سنگ‌های مردانگی، مردانگی سنتی است که بر خلاف مردانگی سنتی، سیاست مردانگی آنها بینی بر استراتژی فیسیستی است که در منطق شهری اقوام گیلک و ترک استان گیلان دیده می‌شود. کسب مردانگی مدرن که رویکرد فیسیستی دارد، اسباب تغییر یکی از مردان را فراهم آورده، آنها هم از مردانگی هژمونیک و هم از مردانگی مدرن که رویکرد فیسیستی دارد اتفاق می‌کند. این سنگ از مردانگی را می‌توان با عنوان مردانگی پس‌سیستمی مقولبندی کرد. هر چند این بخش از مردانگی به یک کننده جمعی تبدیل نشده ولی گراش آنها در جهت مخالفت با هرگونه تک‌صدایی جنسینی است. این سنگ از مردانگی بیشتر در منطقه شهری اقوام گیلک و ترک بیوش رشت و آستانه دیده می‌شود. سایر اقوام مردانگی مانند مردان داماد سر خانه و مردان زن نما در بخش یایی سیستم روابط مردانگی قرار دارند که به تبعیض کننده جز "مردانگی فردست" با حاشیهای "محصول می‌شوند (گیتنژر، 1386: 175)

بر اساس یافته‌های این مطالعه می‌توان پیش‌بینی کرد که در آینده نوعی همانندی و همگونی در خصوص مردانگی در بین اقوام گیلکی و سایر اقوام ایرانی وجود خواهد داشت که در آن، موضوع‌هایی از پیش تعمیق شده از قبل قوی‌تر بیشتر در معرض بازدانش‌های قرار خواهد گرفت. البته، جهان وطن شدن، به هیچ روشی نشان دهنده یک
گونش‌شناسی مردی‌داری در اقوام... / 127

جامعه جهان وطن نیست، بلکه بیانگر رابطه تعاملی غیر قومی شدند و قومی شدن مجدد است (ذکایی، 1387: 252). روند حرفک خانواده ایرانی نشان از تغییر الگوی مردانگی و تقارن قدرت در خانواده دارد، که در ان نوعی دموکراسی مشارکتی در خانواده برقور و مردانگی هم‌مینیک با چالش مواجه خواهد شد. از این رو، با توجه به تغییر گفتنی اجتماعی - فرهنگی در جامعه بیشتر می‌شود که مردانگی متنی به حاشیه رفته و مردانگی جدید (مدرن) وارد می‌شود اجتماعی شود.

منابع
- اتابکی، نورج. (1384)، تنوع قومی و تمامیت ارضی ایران سازگاری داخلی و محاورات منطقه‌ای، فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتنوی، شماره 43.
- ازکیا، مصطفی. (1370)، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتنی روستایی ایران، تهران: جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتنی روستایی، تهران: جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتنی روستایی.
- بیتس، دانیل / پلاک فرد. (1387)، انسان شناسی فرهنگی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- پاسنان، حسین. (1387)، نقی فرهنگی داستان "مدل" نوشته سمیه دانشور از سه منظر در مطالعات زنان، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سالم چهارم، شماره 11.
- تقفی، مراد. (1387)، قومیت در علوم اجتماعی ایران، فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتنوی، شماره 43.
- خمین، اکرم. (1383)، بررسی طرح وارد واردهای نقش جنسیتی و کلیشه‌های فرهنگی در دانشجویان دختر، مجله مطالعات زنان، سال دوم، شماره 7.

1. Deethnicization
فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۵۵

- خمسه، اکرم (۱۳۸۶)، بررسی نقش عوامل فرهنگی – اجتماعی بر طرح واردهای نقش جنسیتی در دو گروه قومی از دانشجویان در ایران، مطالعات روانشناختی، دوره سوم، شماره ۲.
- دکتری مهدی، اسماعیل و میرزای، همیار (۱۳۸۴)، پرسو جوان واردهای مردانگی، مجله جامعه شناسی، دوره ششم، شماره ۳.
- دکتری مهدی، اسماعیل (۱۳۸۱)، نظریه و روش در تحقیقات کیفی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۷.
- اهگ.
- ستاری، ایرج. (۱۳۸۱)، سیاست زن در فرهنگ ایران، تهران: نشر مرکز.
- شریعتی، ایرج (۱۳۸۷)، فلسفه علوم اجتماعی قارهای، ترجمه: هادی جلیلی، تهران، نشری.
- شیخاحمدی، داور (۱۳۸۵)، بازتاب هوری‌های جنسیتی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی آموزش ابتدایی و دوره راهنمایی تخصصی، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۸۷.
- طالب، مه‌دی، کودری، محسن (۱۳۸۲)، قوی‌م و جنسیت، پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۳.
- قانعی، راد، محمد امین و همکاران (۱۳۸۸)، اندیشه‌های پسافنیستی و مسئله کلیت انسان، پژوهش زنان، دوره هفتم، شماره ۴.
- گیلانی، آنتونی (۱۳۸۶)، جامعه شناسی، ترجمه: حسن چاوش‌پور، تهران: نشری.
- گیلانی، آنتونی (۱۳۸۶)، جامعه اندیش خانواده، ترجمه: محمد_CC_جلایی پور، ماهنامه آفتک، سال سوم، شماره ۲۹.
گونه‌شناسی مرد‌بار در اقوام... ۱۲۹/ ۳۸

- مهدی‌آیی، عباس. (۱۳۸۷). دختران پسرنما و پسران دختر نما، تشریح نامه، شماره ۲۸.

- محمدرضا، بیوک. (۱۳۸۹). زن‌دان: زنان سلطه‌جو، مردان سلطه‌پذیر، تهران: واژه آرا، چاپ دوم.

- میرزایی، سید آیت. (۱۳۸۴). بررسی گرایش پسرهای جوان به ارزش‌های مردانگی، پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی، دانشگاه علوم طبیعی.


- یعقوبی، علی. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی فرهنگ مردانگی در اقوام استان گیلان، پایان نامه دکترای جامعه شناسی، دانشگاه اصفهان.


